

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	فصل اول: صنایع لفظی
۵	تسجیع
۶	انواع سجع
۸	شعر مسجع
۱۲	ترصیع و موازنه
۱۳	تضمین المزدوج، ازدواج، اعنات القرینه
۱۶	تأملی در سجعیهای اصلی و فرعی
۱۹	جناس تام
۲۱	جناس زاید
۲۱	جناس زاید اول
۲۲	جناس زاید وسط
۲۳	جناس زاید آخر (مذیل)
۲۴	جناس ملحق به زاید
۲۶	جناس مرکب
۲۸	جناس ملقّق
۲۹	جناس مرفوّ
۲۹	جناس مضارع
۳۱	جناس مطرف
۳۲	جناس لاحق
۳۴	جناس خط (جناس مصّحف، مضارعه، مشاکله)

صفحه	عنوان
۳۶	جناس لفظ
۳۷	جناس مکرر
۳۹	جناس اشتقاق یا اقتضاب
۴۱	جناس اشتقاق مصوتها (مقتضب)
۴۲	قلب
۴۵	قلب الاضمار (مقلوب مضمَر)
۴۵	جناس اشارت
۴۶	ردّ العجز علی الصدر یا الی الصدر (تصدیر، مطابقه، ردّ الصدر علی الفخذ)
۴۸	ردّ الصدر علی العجز
۵۱	ردّ المطلع
۵۲	ردّ القافیه
۵۳	طرد و عکس (تبدیل و عکس)
۵۶	اعنات (لزوم ما لا یلزم، التزام، تضییق، تشدید)
۵۹	ذوقافیتین (تشریح، توام، توشیح)
۶۲	توشیح (تشریح و توام)
۶۵	تکرار
۶۵	تکرار مصوتها
۶۶	تکرار کلمات و عبارات
۶۸	تکرار صامتها
۶۹	تکرار مصوت و صامت با هم
۷۱	فصل دوم: صنایع معنوی
۷۱	مراعات نظیر
۷۷	حسن تعلیل
۷۸	اغراق
۸۱	اغراق تشبیهی
۸۲	اغراقهای عادی
۸۴	ایهام (توریه، تخیل، توهیم)

صفحة	عنوان
٩١	ايهام تناسب
٩٣	مطابقه (تضاد، طباق)
٩٥	مقابله (تقابل)
٩٦	پارادوكس
١٠٠	حسن آميزى
١٠٤	استخدام
١٠٦	ارصاد و تسهيم
١٠٧	لف و نشر
١١٢	جمع
١١٣	تفريق
١١٥	جمع و تفريق
١١٦	جمع و تقسيم
١١٨	جمع و تقسيم و تفريق
١١٩	تجاهل العارف
١٢١	افتنان
١٢٢	سياقة الاعداد
١٢٤	تنسيق صفات
١٢٥	التفات
١٢٧	تجريد (خطاب نفس)
١٢٨	ارسال المثل
١٣٠	مشاكله
١٣١	براعت استهلال
١٣٢	مدح شبيه به ذم
١٣٤	ذم شبيه به مدح
١٣٥	استدراك
١٣٦	ابداع
١٣٧	حسن طلب (ادب سؤال، ادب طلب)
١٣٨	حسن مطلع

صفحه	عنوان
۱۳۹	حسن مقطع (حسن ختام)
۱۴۰	شریطه (دعای تأیید)
۱۴۳	حسن تخلّص (حسن مخلص)
۱۴۴	استتباع
۱۴۵	ادماج
۱۴۶	تبادر
۱۴۷	توجیه (محتمل الضدّین، ذووجهین)
۱۴۹	تلمیح
۱۵۰	حشو (اعتراض)
۱۵۲	ایغال
۱۵۲	الغاء
۱۵۳	تکمیل
۱۵۴	تفویف
۱۵۵	تدبیح
۱۵۶	توجیه
۱۵۷	تطریز
۱۵۸	بوقلمون
۱۵۹	اتّساع
۱۶۰	مترلزل
۱۶۰	استثناء
۱۶۲	نسیب و تشبیب
۱۶۳	فصل سوم: عوامل زیبایی شعر
۱۸۲	فصل چهارم: تجلّی بدیع در شعر نو
۲۰۸	منابع و مآخذ

مقدمه

علم بدیع همراه با دو علم دیگر: معانی و بیان، علوم بلاغت را تشکیل می‌دهد. معانی از ایراد سخن به مقتضای حال و مقام سخن می‌گوید و بیان از ایراد معنی واحد به طرق مختلف بحث می‌کند و بدیع از زیباییهای سخن، بعد از رعایت معانی و بیان در آن، عرض وجود می‌نماید.^۱ سخنی که مبانی معانی و بیان آن نسنجیده و سست باشد نمی‌تواند معرض زیباییهای سخن واقع شود، و اگر فرضاً چنین شد، مانند ساختمانی است که از پای‌بست ویران و خواجه ادیب در بند نقش ایوان باشد. این علم از قرن سوم هجری در فرهنگ بلاغی اسلامی راه یافت. ابن معتر (قرن سوم هجری) نخستین بدیع‌نویس و *البدیع* او نخستین کتاب در این باره است. نصر بن حسن مرغینانی، ادیب ایرانی قرن پنجم، پس از ابن معتر شاخص‌ترین بدیع‌نویس به شمار می‌رود که *محاسن الکلام* را در این فن به زبان عربی نگاشته است. کتاب *اخیر منبع الهام* محمد عمر رادویانی صاحب *ترجمان البلاغه* در نیمه دوم قرن پنجم شده است. رشید و طواط در قرن ششم و شمس قیس رازی در قرن هفتم، هر دو ریزه‌خوار *سفره انعام* رادویانی هستند که آثاری در این علم ارائه داشته‌اند. رشید و طواط، *حدائق السحر* و شمس قیس، *المعجم* را به جامعه ادب‌پرور ایرانی تقدیم داشتند و بعد از آنان هر کس از اهل ادب و بلاغت پیدا شده و در این راه گامی نهاده و قلمی زده فراتر از آنان نرفته است. چند نکته در تألیفات بدیعی و صنایع بدیعی قابل ذکر است. رادویانی هر چند

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد علم بدیع و تطوّر آن رجوع کنید به مقاله «علم بدیع» از نگارنده در *دانشنامه جهان اسلام*، جزوه هشتم، ۱۳۷۵.

تبویب و فصول اصول را از محاسن الکلام گرفته، روشن است که برای زبان و ادب فارسی، هویت مستقلی قائل است. کتاب او، صنعت‌های بدیعی را در زبان و ادب فارسی بالاستقلال مورد مذاقه قرار داده است. از او که بگذریم بدیع‌نویسان دیگر، زبان و فرهنگ ایرانی را تابع و فرع زبان عرب دانسته و انگاشته‌اند. کتاب‌هایشان مربوط به بدیع فارسی، اما مثال‌هایشان عربی است! و بعد از مثال‌های عربی به فارسی روی کرده‌اند، آن هم تقلیدی و کلیشه‌ای، چه مثال‌های عربی و چه مثال‌های فارسی. مثال‌های عربی بیشتر از مطول تفتازانی است و مثال‌های فارسی بیشتر از ترجمان البلاغه و یکی دو کتاب دیگر. حتی مؤلفان بدیع در سده اخیر از این قاعده مستثنا نیستند.

نکته دیگر اینکه صنعت‌های بدیعی از حدود بیست صنعت به حدود دویست و بیست صنعت در طول قرون رسیده است که البته اگر عنوان صنعت هم بر بیشتر آنها درست باشد، نمی‌توان آنها را از عوامل زیبایی شعر به شمار آورد و به قول یکی از محققان: «هیچ‌گونه نقشی در خلاقیت ادبی مسلمانان نداشته است بلکه نشانه کامل انحطاط ذوق و بن‌بست خلاقیت مسلمانان در میان آنان بوده است».^۱ نگارنده بر این گمان است که حداقل نیمی از صنعت‌های مذکور در کتب بدیعی نقشی در زیباسازی فضای شعر و نثر فارسی ندارد و نباید وقت دانشجویان ادب را با شرح و بسط آنها تلف کرد، اما به هر حال نمی‌توان به طور کلی نقش صنعت‌های بدیعی را در زیبایی شعر و نثر فارسی انکار کرد.

نکته دیگری که یادآوری آن ضروری است این است که صنعت‌ها باید طوری به کار گرفته شوند که کیفیت طبیعی سخن از بین نرود و همراه با احساسات طبیعی شاعر ارائه شود. به زبان ساده‌تر، شاعران و نویسندگان نباید در آوردن صنعت‌های بدیعی اصرار ورزند تا جنبه تصنع و تکلف گیرد بلکه باید از درونشان بجوشد و با احساسات طبیعی آنان عجین گردد. چون قبلاً درباره این مسائل سخن گفته شده و گفته‌ایم^۲ به همین اندازه بسنده می‌کنیم. چند سال پیش کتابی در علم بدیع نگاشتم و

۱. موسیقی شعر، ص ۲۹۳.

۲. رجوع کنید به مقدمه کتاب بدیع و موسیقی شعر، ص ۲۹۳.

سعی کردم از حدود دویست و بیست صنعت به چهل و چهار صنعت بسنده کنم. هدف از تألیف آن کتاب در مقدمه همان کتاب آمده که بالاجمال چنین است: تلخیص بدیع و دور ریختن صنعت‌های غیر مفید و غیر لازم و تفصیل مطلب در صنعت‌های مورد قبول و سعی در آوردن مثال‌های بیشتر و حتی الامکان غیر مسبوق، همراه با تمرین‌هایی در هر مورد.

کتاب حاضر (نقد بدیع) چند فرق اساسی با کتاب بدیع که قبلاً نگاشته‌ام دارد: از آنجا که کتاب به پیشنهاد سازمان «سمت» تهیه شده، به ناچار تغییراتی در فصول و ابواب و کل کتاب داده شد تا جهت تدریس در دانشگاه‌ها مناسب‌تر و مفیدتر باشد. از جمله، تعداد صنعت‌ها بیش از آنهایی است که در آن کتاب آمده است، آن هم با تبیین و تفسیری دیگر. همچنین بحث تشبیه که در آن کتاب به تفصیل یاد شده، در این اثر (نقد بدیع) به کلی حذف گردیده و به جایش از صنعت‌های بدیعی بیشتر (البته صنعت‌های مفید و آشنا با فرهنگ و ادب ایرانی) استفاده شده است. در بافت کلی کتاب (تفصیل و تبیین مطالب و مثالها) تغییراتی عمده داده شده است. مطالبی از آن کتاب که مفید تشخیص داده شده، در کتاب حاضر (نقد بدیع) نیز آمده است.

از آنجا که کتاب حاضر، درسی است، همچنین سازمان «سمت» ماهیت خاص خود را دارد، به ناچار، کتاب نقد بدیع کیفیتی خاص یافته است که شاید اگر محدودیتهای مذکور را نمی‌داشت از لونی دیگر می‌شد.^۱

چند نکته: در مورد شعر نو و صنعت‌های بدیعی، باید متذکر شوم که خود بحثی مستقل از شعر قدیم و نیازمند تحقیقی گسترده و فراگیر است. دواوین معروف شعر نو باید از این دیدگاه مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گیرد و صنایع بدیعی که بیشتر در آنها راه یافته، مورد ارزیابی واقع شود و کیفیت استفاده شعرای نوپرداز از این

۱. نگارنده خود اذعان دارد که نقد بدیع مبراً از عیوب و نقایص نیست و تا مرز ایدئال بدیعی کامل و مناسب برای زبان فارسی فاصله‌ای زیاد دارد. امید است جوانان دانش‌پژوه و ادب‌دوست این مرز و بوم این فاصله طولانی را کوتاه‌تر کنند. هدف رفتن است نه رسیدن.

صنایع و نگاه آنان به صنعت و صنعتگری و امثال این مباحث، همه باید روشن شود. اما به هر حال برای خالی نبودن عریضه، مختصری در این باب قلم فرسایی شد که البته نباید یک تحقیق کامل تلقی شود. همچنین است بحث کاربرد صنایع ادبی در شعر شاعران که آن نیز به عنوان نمونه و کاری ابتدایی پیشکش ارباب نظر گردید و پوشیده نیست که در این باره کمتر تحقیق شده و این گام لرزان می‌تواند راهگشای تحقیقات عمیق‌تر و دقیق‌تری گردد.

نکته دیگر اینکه سعی شده اسامی گویندگان اشعار و یا منابع آنها در زیر ابیات، آورده شود و در مورد نثر باید متذکر شوم که تقریباً همه نمونه‌ها و شواهد نثر (جز آنها که مشخص شده) از گلستان سعدی است و با این تذکار دیگر نیازی به ذکر منبع در زیر شواهد نثر دیده نمی‌شود.

در پایان لازم می‌دانم از همکار گرامی آقای دکتر اصغر میرباقری فرد که دستنویس نقد بدیع را با دقت مطالعه کردند و در چند مورد پیشنهادهایی استصوابی ارائه دادند و همچنین از سازمان «سمت» که این اثر را جزو انتشارات خود قرار داد، و نهایتاً از دختر خوبم رابعه که مرا در این راه یاری کرد سپاسگزاری کنم.

محمد فشارکی